



عضو هیئت علمی دانشگاه تهران:

## هنوز وارد اندیشیدن درباره دانشگاه نشدیم

مصباحیان با اشاره به وضعیت دانشگاه‌های ایران گفت: الان در سطح جهان اضمحلال دانشگاه را داریم و به این سمت داریم می‌رویم که دانشگاه دیگر نداریم، اما در ایران در فاز اول و دوم دانشگاه هستیم؛ یعنی در فاز اول قرار بوده به خدا و دین خدمت کند، در فاز دوم قرار بوده به دولت و ملت خدمت کند، اما هنوز وارد اندیشیدن درباره دانشگاه نشدیم.

کد خبر: ۳۹۲۴۵۰۷

تاریخ: ۰۱ مهر ۱۳۹۹ - ۱۱:۴۶



به گزارش ایکن، بیست و ششمین نشست از سلسله نشست‌های علم و جامعه از سوی مؤسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، دیروز دوشنبه، ۳۱ شهریورماه برگزار شد. در این نشست که به نقد و بررسی کتاب مراد و مقصود از دانشگاه چیست اختصاص یافته بود، آریا متین، مترجم کتاب؛ حسین مصباحیان، استاد دانشگاه تهران و میثم سفیدخوش، عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی، سخنرانی کردند.

در ابتدای این نشست آریا متین با بیان اینکه این کتاب گرچه امسال منتشر شده است اما ترجمه آن به حدود چهار سال گذشته برمی‌گردد، گفت: این کتاب در واقع مجموعه مقالات نویسنده است. در قسمتی از کتاب به اینکه دانشگاه چه نقشی دارد و اینکه از ویژگی‌های دانشگاه سخن می‌گوید. در مقاله‌ای درباره بحث مفید بودن و نامفید بودن بحث می‌کند و تشخیص مفید و نامفید بودن یک متن در قرون وسطی با چه کسی است؟ آیا این گفتمان می‌تواند یک گفتمان غالب باشد؟ نویسنده این مبحث را در اکثر مقالات کتاب مورد بازبینی قرار می‌دهد.

وی در ادامه افزود: در بحث ماهیت علوم انسانی عدم اجماع در علوم انسانی بهانه‌ای است که به علوم انسانی بتازند هرچند نویسنده آن را حسن می‌داند. در تقابل ارزیابی داوری را در علوم انسانی مطرح می‌کند به گونه‌ای نگاهی بدیل است که به جای معیارهای ارزیابی یک پرونده تحقیقاتی بحث داوری را مطرح می‌کند که ملاک‌های خاص خود را دارد که لزوماً کمیت‌پذیر نیستند.

## مواجهه کتاب با دانشگاه نسل چهارم

حسین مصباحیان در ادامه این نشست با بیان اینکه هر اثری در حوزه دانشگاه اتفاق بیافتد یک اتفاق خجسته‌ای است؛ بنابراین تولد این کتاب هم همین است، گفت: یکی از مزیت‌های کتاب مواجهه آن با دانشگاه نسل چهارم است. یعنی تلاش برای برگرداندن دانشگاه به ماهیت آن یعنی همان مدل برلینی که در پی رسیدن به حقیقت است.

مصباحیان در ادامه سخنانش به برخی از کاستی‌های کتاب نیز اشاره کرد و گفت: کتاب یک تکنوگاری فلسفی نیست و رویکردی فلسفی ندارد البته این ضعف کتاب نیست، بلکه یک ژانر ادبی است. نکته اصلی کتاب این است که مواجهه فلسفی با بحث دانشگاه نمی‌کند. به ویژه در بخش دوم بیشتر صبغه ژورنالیستی دارد تا

تئوریک. در بخش چهارم که به مولفه‌های علوم انسانی می‌پردازد دچار خلط مبحث می‌شود. واقعیت این است که علوم انسانی با علوم اجتماعی متفاوت است. حتی بعضی‌ها فلسفه را در رده علوم انسانی نمی‌آورند و علوم انسانی در قرون وسطی از هفت علم تشکیل می‌شد که در علوم جدید علوم اجتماعی را جز علوم انسانی نمی‌دانند.

مصباحیان بیان کرد: نویسنده به جای رد رادیکال این موارد به تمایز علوم طبیعی و علوم انسانی می‌پردازد. تمایزی که بین فهم و تبیین است، در فلسفه ما فهم می‌کنیم، اما تبیین در علوم طبیعی و غیره است در علوم انسانی ما تجربه زیسته داریم، اما در علوم طبیعی تجربه زیسته نداریم. پرسش اصلی علوم انسانی که در شلاپرماخر و بعداً در دیلتای هم مطرح می‌شود. این است که علوم انسانی اساساً چگونه می‌تواند علم باشد؟ که این قسمت بحث به کلی در کتاب انجام نشده است.

وی یادآوری کرد: درباره کتاب ایده دانشگاه «نیومن» اغراق شده است که اگر رویکرد ایشان مقداری فلسفی بود به این صورت نبود، اما از قول «ترنر» نقل می‌کند که هیچ اثری مؤثرتر از این کتاب در انگلیسی زبان‌ها نبوده است که خود این نشانگر رویکرد بریتانیای و ادبی نویسنده است. البته نه اینکه مهم باشد، اما در برابر آثاری مانند نزاع دانشکده‌های کانت نمی‌توان این کتاب را این قدر مهم دانست و آثار دیگر را ندید. در قسمت آخر یک مؤخره و یک پیشگفتار آمده است که عناوین برانگیزاننده‌ای دارند، اما نکته‌ای که بر ادبیات این حوزه اضافه کند ندارند.

در ادامه با بیان اینکه اگر عنوان اصلی کتاب یعنی «دانشگاه به چه کار می‌آید» می‌آمد گویاتر از عنوان مراد مقصود بود گفت: یکی به این دلیل بود که ترجمه اصلی دانشگاه‌ها یک نوع رویکرد انتقادی دارد و مراد و مقصود یک رویکرد ایجابی و خنثی دارد. و این انتظار را ایجاد می‌کند که دانشگاه یک ذات واحد دارد. نمی‌خواهد بگوید که دانشگاه یک ذات واحد دارد. بنابراین عنوان کتاب خیلی بهتر بود که همان ترجمه دانشگاه به چه کار می‌آید بود. پاراگرافی که انتشارات پنگوئن درباره نویسنده دارد را ترجمه نشده یا حذف شده است که اگر حذف نمی‌شد می‌فهمیدیم که نویسنده رویکردی تاریخی - ادبی دارد.

## دانشگاه در سطح جهان در حال اضمحلال است

مصباحیان با اشاره به وضعیت دانشگاه‌های ایران گفت: الان در سطح جهان اضمحلال دانشگاه را داریم و به این سمت داریم می‌رویم که دانشگاه دیگر نداریم، اما در ایران در فاز اول و دوم دانشگاه هستیم. یعنی در فاز اول قرار بوده به خدا و دین خدمت کند در فاز دوم قرار بوده به دولت و ملت خدمت کند. اما ما هنوز وارد اندیشیدن درباره دانشگاه نشدیم.

دیگر سخنران این نشست میثم سفیدخوش، عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی با بیان اینکه وقتی با عنوان کتاب مواجهه شدم فکر کردم که با ماهیت دانشگاه مواجهه هستم گفت: اصولاً این کتاب فلسفی نیست. عنوان کتاب در فارسی یک کج تابی دارد که می‌تواند خیلی رهن باشد. عنوان اصلی کتاب دانشگاه به چه کار می‌آید؟ است که با بحث‌های نویسنده ارتباط دارد اما وقتی آن را به مراد و مقصود ترجمه کنیم مقداری از اصل کتاب دور می‌شویم.

وی در ادامه افزود: اشکال بزرگتر در ساختار کتاب این است که می‌خواهد با نگرش بسیار رایج امروزی که دانشگاه باید به کارآفرینی بپردازد می‌خواهد به ایده دانشگاه بپردازد که به نظرم باید روی عنوان کتاب دقت بیشتری می‌شد. پیشنهادم این است که کتابی که می‌خواهد منتشر شود قبل از انتشار اینچنین جلساتی برگزار شود که خطاهای اینگونه رخ ندهد. کتاب نه نظری بلکه مدافعه جویانه است، یعنی نویسنده از وضعیتی شاکی است و می‌خواهد از دانشگاه‌ها دفاع کند. اما چرا باید نهادی که متکفل دانش و راهبری جامعه است نیازمند دفاع باشد؟ و دفاع از یک چیزی آن را در چه موقعیتی قرار می‌دهد؟ چه چیزهایی دانشگاه را به خطر می‌اندازد که دفاع کردن را ضروری می‌کند؟

سفیدخوش بیان کرد: آیا این تصویر از دانشگاه به مثابه موقعیتی نیازمند دفاع تصویر کسانی نیست که خودشان را در برابر ابعاد دیگر زندگی اجتماعی مانند دین و دولت و ... قرار داده‌اند؟ آیا دانشگاه خودش را در موقعیت یک نهاد هم‌ارز یا برتر این نهادها قرار نداده که بعد از آن کسی از آن دفاع کند؟ وارد شدن به همین سیاست چیزی است که نهادهای دیگر می‌خواهند. همواره از طرف نهادهای دیگر مانند سیاست و بازار مورد اعتراض قرار می‌گیرد.

## نگاه نیومن به دانشگاه رمانتیک است

وی یادآور شد: رفتن در این بازی ورودی است که خود دانشگاه و دانشجویان و استادان دانشگاه زمینه‌اش را ایجاد کرده‌اند، هرچند نهادهای دین و سیاست هم زمینه را تشدید می‌کنند. این چیزی است که دائماً دانشگاه را به دفاع وادار می‌کند. آیا ما خود انسان دانشگاهی را در موقعیتی قرار ندادیم که این پرسش از ما شروع شود و فردی مانند نویسنده مداخله‌گری کند و بگوید که می‌خواهم از دانشگاه دفاع کنم؟ نویسنده فکر می‌کند با ارجاع به هنری نیومن می‌تواند دفاعی از دانشگاه کرده باشد. می‌توانم بگویم نویسنده هرچند ارجاع به کتاب نیومن می‌دهد، اما کتاب نیومن را خوب نخوانده است چون مطالب کتاب نیومن بسیار جدی‌تر از مباحثی است که نویسنده مطرح می‌کند.

سفیدخوش در پایان گفت: نگاه نیومن به دانشگاه یک نگاه رمانتیک است و تلاش می‌کند که بگوید دانشگاه تنها جایی برای بیان حقیقت نیست بلکه در کنار دانش افزایی جایی برای ادراک احساسات رمانتیک هم هست و آیا ایده رمانتیک نیومن در برابر ایده دانشگاه سرمایه دارانه و کارآفرین کنونی می‌تواند قدم علم کند؟

متین در ادامه این نشست با بیان اینکه نویسنده ادیب است و نثر بسیار ادیبانه‌ای دارد خیلی جاها مجبور می‌شدم که چندین بار آن را بخوانم. گفت: اما اینکه دوستان فلسفه خوانده انتظار دارند که این متن فلسفی باشد به نظرم بخشی از این نگاه به آن برمی‌گردد که خودشان را در یک سطحی بالاتر از دیگر رشته‌ها می‌بینند. اما یکی از اهداف من از ترجمه این کتاب این بود که وضعیت دانشگاه و الزاماتی که از آن می‌خواهند چیست و بازار، سیاست و دین بحث تدافعی آن بود.